

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیلی بر سیاستگذاری امنیت ملی عراق

تألیف

دکتر یاسر عبدالزهراء

عضو هیأت علمی وابسته دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بصرا عراق



شماره مسلسل ۸۷۳۸

شماره انتشار ۳۷۱۷

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه : عبدالزهراء ، ياسر، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور : تحلیلی بر سیاستگذاری امنیت ملی عراق / تألیف یاسر عبدالزهراء
[ویرایش فنی و زبانی محمد قیصری].
مشخصات نشر : تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ع، ۲۰۲ ص.
فروست : انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۷۱۷.
شاب : 978-964-03-6895-4
وضع فهرست‌نویسی : فیفا.
بازداشت : کتابنامه : ص. [۱۹۳] - ۲۰۲؛ همچنین به‌صورت زیرنویس.
موضوع : امنیت ملی - - عراق
موضوع : عراق - - جنبه‌های استراتژیکی
موضوع : عراق - - استعمار
موضوع : عراق - - تاریخ - - جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع : عراق - - روابط قومی - - جنبه‌های سیاسی
موضوع : عراق - - تاریخ - ۱۹۶۸ - ۲۰۱۱ م.
شناسه افزوده : دانشگاه ملی، مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره : DS ۷۰ / ۶ / ع ۲ / ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی : ۹۶۰۶۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۳۰۵۲

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفین است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

ISBN:978-964-03-6895-4



9 789640 368954

عنوان: تحلیلی بر سیاستگذاری امنیت ملی عراق
تألیف: دکتر یاسر عبدالزهراء
ویرایش فنی و زبانی: محمد قیصری
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۱۴۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press @ ut. ac. ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

ر	یادداشت دکتر کیومرث اشتریان.....
ز	مقدمه.....
ظ	سازماندهی کتاب.....
۱	بخش اول: سیاست‌گذاری امنیت ملی.....
۲	فصل اول: دولت‌ها و حوزه‌های امنیتی.....
۴	الف: عقاید بین‌دولتی و تهدیدهای امنیتی.....
۵	ب: نقش دولت‌ها در امنیتی کردن موانع.....
۶	- دولت به مثابه مرجع امنیت.....
۷	- فرد به مثابه مرجع امنیت.....
۱۰	فصل دوم: رویکردهای تأمین یکپارچگی ملی.....
۱۱	الف: جایگزینی علایق محلی به وفاداری ملی.....
۱۴	ب: نمادنگاری ملی برای یکپارچگی ملی.....
۱۷	فصل سوم: قومیت و متغیر امنیتی.....
۱۷	الف: دلایل قوم‌مداری.....
۲۰	ب: تهدیدهای اجتماعی - سیاسی قومیت؛ بحران یکپارچگی.....
۲۵	فصل چهارم: نظریه‌های مربوط بحران‌های محرومیت.....
۲۵	الف - نظریه محرومیت نسبی.....
۲۵	محرومیت درون‌زا.....
۲۵	محرومیت برون‌زا.....
۲۶	ب - نظریه استعمار داخلی «هشتر».....

ج- نظریه ناکامی - ستیزه‌جویی دولارد..... ۲۷

بخش دوم: سیاست‌گذاری تنوع قومی - مذهبی..... ۳۱

فصل اول: مدل همانندسازی..... ۳۳

بعد فرهنگی..... ۳۸

بعد ساختاری..... ۳۸

بعد نظامی..... ۳۹

الف: نقش کش..... ۳۹

ب: فرهنگ بر اندازه..... ۴۰

ج: جداسازی..... ۴۰

د: اخراج..... ۴۰

فصل دوم: مدل تکثرگرایی..... ۴۱

بعد فرهنگی..... ۴۳

بعد ساختاری..... ۴۳

بعد سیاست‌های ترجیحی..... ۴۴

فصل سوم - مدل پیشنهادی: مدل وحدت در کثرت..... ۴۷

بخش سوم: سیاست‌گذاری امنیت ملی در دوره حزب بعث..... - ۴۹ -

مقدمه..... ۵۰

فصل اول: مبنا و اصول ایدئولوژیک حزب بعث..... ۵۱

الف: ریشه‌های شکل‌گیری حزب بعث..... ۵۱

ب: ارکان و عناصر اصلی ایدئولوژی حزب بعث..... ۵۳

ج: اولویت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی حزب بعث..... ۵۵

د: عنصر «وحدت»؛ زمینه‌ای مشترک برای اجرای الگوی همانندسازی..... ۵۶

۱- ترجیحات وحدت..... ۵۶

- ۵۶-۲- انقلابی بودن وحدت..... ۵۶
- ۵۶-۳- مردمی بودن وحدت..... ۵۶
- ۵۷-۴- علمی بودن وحدت..... ۵۷

فصل دوم: سیاست‌های ایجابی یا تطمیعی همانندساز..... ۵۹

- مبحث نخست: اقدامات اصلاحی و توسعه‌ای..... ۵۹
- الف: نوساز: اقتصادی..... ۵۹
- ب: حمایت از توسعه اجتماعی-فرهنگی..... ۶۰
- ج: اعطای هرچه گسترده‌تر به ایا و مواهب مادی به افسران..... ۶۰
- د: تغییر در ماهیت نظام سیاسی..... ۶۱

- مبحث دوم: سیاست‌های مردم‌پسندانه..... ۶۳
- الف: ظاهرسازی..... ۶۳
- ب: استفاده ایزاری از مذهب..... ۶۳
- ج: استفاده ایزاری از ارزش‌های عشیره‌ای..... ۶۴

- مبحث سوم: تأکید بر سازوکارهای هویت‌ساز..... ۶۶
- الف: تعبیری جدید از مفهوم عراقیت..... ۶۶
- ب: تأکید بر باستان‌گرایی..... ۶۶
- ج: مشروعیت‌بخشیدن به دولت‌گرایی..... ۶۷
- د: فرهنگ‌سازی ایدئولوژیک..... ۶۸

فصل سوم: سیاست‌های سلبی یا تنبیهی الگوی همانندسازی..... ۷۱

- مبحث نخست: اعمال سیاست‌های تحمیلی به‌منظور یکسان‌سازی..... ۷۱
- الف: محروم‌سازی..... ۷۱
- ب: تقسیم جامعه به دو گروه خودی و غیرخودی..... ۷۲
- ج: کوچ اجباری و عربی‌سازی..... ۷۳
- د: تغییر در ترکیب جمعیت و جابه‌جایی آن..... ۷۶

و: استفاده از شیوه اخراج ۷۷

ه: سیاست محدودسازی فرهنگی و ممنوعیت گردهمایی‌های مذهبی ۷۹

مبحث دوم: اعمال سیاست‌های خشونت‌آمیز ۸۲

الف: استفاده از سنت «دخاله» و خائن‌نامیدن منتقد ۸۲

ب: سرکوب و تهدید ۸۲

ج: دستگیری و قتل و عام مخالفان ۸۶

د: ترور مخالفان در خارج و تاراج اخلاقی (تجاوز به ناموس) ۸۸

مبحث سوم: نتیجه‌گیری ۸۹

بخش چهارم: سیاست‌گذاران امنیت ملی عراق در دوره جدید ۹۳

مقدمه ۹۴

فصل اول: بررسی سند راهبردی امنیت ملی عراق؛ منبع سیاستگذاری امنیت ملی ۹۶

الف. متن راهبرد امنیت ملی عراق: ۲-۱-۱۱ ۹۷

۱. منافع ملی ۹۸

۲. تهدیدهای امنیت ملی ۹۸

ب. سازوکارهای دستیابی به راهبرد امنیت ملی ۹۸

۱. بعد سیاسی ۹۸

۲. بعد اجتماعی - فرهنگی - حقوقی ۹۸

۳. بعد امنیتی ۹۹

۴. بعد اقتصادی ۹۹

۵. بعد فناوری و اطلاعاتی ۱۰۰

ج. متن سند آشتی و گفتگوی ملی ۱۰۰

۱. ابزار ۱۰۰

۲. روش ۱۰۰

فصل دوم: متغیرهای تأثیرگذار بر سیاستگذاری امنیت ملی عراق نوین ۱۰۲

مبحث نخست: متغیرهای داخلی ۱۰۳

الف. متغیرهای سیاستی - حاکمیتی.....	۱۰۳
ب. متغیرهای حقوقی - قانونی.....	۱۲۴
ج. متغیرهای فرهنگی - اجتماعی.....	۱۳۷
مبحث دوم: متغیرهای منطقه‌ای.....	۱۵۰
الف: ترکیه.....	۱۵۲
ب: ایران.....	۱۵۲
ج: سوریه.....	۱۵۳
د: کشورهای عربی منطقه.....	۱۵۳
مبحث سوم: متغیرهای اقتصادی - مالی.....	۱۵۴
فصل سوم: آسیب‌شناسی تحقق وحدت ملی در دوره جدید.....	۱۵۹
مبحث نخست: ضعف پیشینه مؤثرات سیاسی در عراق.....	۱۵۹
مبحث دوم: ناکارآمدی مدیریتی و فقدان رهبری فراگیر.....	۱۶۱
مبحث سوم: ناکارآمدی نظام دیوانسالاری و تفرق در حاکمیت.....	۱۶۲
مبحث چهارم: اختلاف بر سر توزیع ثروت.....	۱۶۳
الف - نگاهی به ساختار اقتصادی عراق.....	۱۶۳
ب - مشکلات اقتصادی - اداری عراق.....	۱۶۶
۱ - تداوم و افزایش وابستگی به نفت.....	۱۶۶
۲ - آسیب‌دیدگی بخش صنعت.....	۱۶۷
۳ - ضعف اساسی صنعت کشاورزی.....	۱۶۸
۴ - عدم اصلاحات قانونی در بخش اقتصاد.....	۱۶۸
۵ - فساد مالی و اداری گسترده.....	۱۶۸
۶ - فقدان خصوصی‌سازی.....	۱۶۸
۷ - تداوم بازپرداخت غرامت‌ها و بدهی‌های بین‌المللی.....	۱۶۹
۸ - تداوم حملات تروریستی.....	۱۶۹
۹ - حقوق بالای رهبران سیاسی و مدیران ارشد کشور.....	۱۶۹
مبحث پنجم: نحوه توزیع قدرت.....	۱۷۰
نتیجه‌گیری بخش.....	۱۷۲

متغیرهای داخلی ۱۷۲

متغیرهای منطقه‌ای ۱۷۳

متغیرهای بین‌المللی ۱۷۳

بخش پنجم: نتیجه‌گیری و ارائه مدل وحدت در کثرت ۱۷۵

نتیجه‌گیری ۱۷۶

مدل پیشنهادی: مدل وحدت در کثرت ۱۸۲

۱- ارزیابی سیاستگذاری‌های امنیت ملی ۱۸۳

۲- شاخص‌های بحران قومی - مذهبی ۱۸۴

۳- فرصت‌ها و موانع تحقق وحدت و انسجام ۱۸۵

۴- الگوی وحدت در کثرت ۱۸۶

روش طراحی مدل ۱۸۶

الف- آسیب‌شناسی انتقادی مدل هماهنگ‌سازی ۱۸۶

ب- آسیب‌شناسی انتقادی مدل تکثرگرایی ۱۸۷

جهت‌گیری کلی ۱۸۸

منابع و مآخذ ۱۹۳

این کتاب، با توجه به آموزه‌های سیاستگذاری عمومی، مدلی سیاستی و عملیاتی برای سیاستگذاری امنیت ملی عراق ارائه می‌دهد. برای نیل به این مقصود، با مبنا قرار دادن مباحث نظری درخصوص امنیت ملی و سیاستگذاری عمومی و با نقد مدل‌های موجود در سیاستگذاری امنیت ملی در عراق، نظریه‌ای سیاستی در این حوزه ارائه شده است. این نظریه سیاستی که نام مدل وحدت در کثرت به خود گرفته است در ابعاد اداری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به آرایه توصیه‌های سیاستی و راهکارهای اجرایی پرداخته است. شرح این راه کارها در بخش انتهایی کتاب آمده است و مرا بی‌نیاز از ذکر آن در این مقدمه می‌کند. در اینجا تذکر این نکته لازم است که این توصیه‌ها نخست، ابعادی خرد و عملیاتی را در بر می‌گیرند که می‌تواند راهنمای عملی برای قوای مختلف حکومتی و به‌ویژه قوه مجریه عراق باشد. دوم، آرایه این راهکارها مبتنی بر آسیب‌شناسی مدل‌های موجود در تاریخ عراق است. از این رو، می‌توان گفت که مدا به بیجی در سیاستگذاری عمومی نیز مورد توجه نویسنده بوده است. سیاست‌ها در خلاء شکل نمی‌گیرند، بلکه در بستری تاریخی شکل می‌گیرند که مستقل از گرایش‌های سیاسی می‌تواند نشان‌دهنده تکامل تاریخی باشد.

جناب آقای دکتر یاسر عبدالرشید شگری پرتلاش و علاقمند است که با صرف وقت و دقت فراوان، رساله یا پایان نامه دکترای خود را به کمکش درآوردند و در این راه از جمع‌آوری اسناد و مدارک فراوان تاریخی و منابع دست اول به ران بری بهره‌بردند. تقدیر تاریخی این بود که نخستین فارغ‌التحصیل سیاستگذاری عمومی دانشگاه شهران در مقطع دکترا، ایشان باشند؛ که یک پژوهشگر عراقی است. خدای بزرگ را شاکریم که کتاب ایشان ارزش انتشار به‌عنوان یک کتاب خوب را یافته است. امید که در طریق پژوهشگری و تعلیم و تربیت شاه شومایی هرچه بیشتر ایشان باشیم.

دکتر کیومرث اشتریان

دانشیار سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران.

فلسفه وجودی رشته و با حوزه سیاستگذاری امنیت ملی ناظر به این موضوع است که در فرایند سیاستگذاری عمومی کشور یا جامعه، مسائلی وجود دارد که باید در حیطه سیاستگذاری امنیت ملی کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به آنها پاسخ داده شود (هرمیداسی باوند، ۱۳۸۰: ۷).

امنیت ملی به علت چندبعدی بودن آن، شایسته است که در پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی، مسئله مورد نظر، تجزیه و تحلیل شود. با توجه به اینکه هر یک از ابعاد یاد شده موضوعات گسترده‌ای را شامل می‌شوند، ما در این کتاب قصد داریم بعد فرهنگی امنیت ملی را از سایر ابعاد آن جدا ساخته و در بطن آن به مسئله تنوع قومی - فرقه‌ای که اغلب منجر به ناامنی در حوزه‌های دینار شده است، بپردازیم.

اساسی‌ترین مشکل - اقل در دوره جدید و دولت دوره بعث «فقدان وحدت ملی» است که نشان از ضعف در سیاستگذاری امنیت ملی در مسائل قومی - فرقه‌ای در هر دو دوره دارد. با این تفاوت که در دولت (دوره بعثی) برای تأمین امنیت ملی از الگوی همانندسازی استفاده شد و در دوره جدید برای رسیدن به این هدف از الگوی تشرکاتی پیروی شد. این کتاب، در مرحله نخست به درک مشکل می‌پردازد و در مرحله دوم به دلایل عدم موفقیت الگوهای مورد استفاده برای تحقق وحدت ملی اشاره دارد. درواقع، قبل از هر چیز باید مشکل «فقدان وحدت ملی» را مورد شناسایی قرار داد، سپس آسیب‌های سیاستگذاری امنیت ملی دوره کورسای بعث و دوره کنونی را بازنمایی کرد و طبق یک فرایند عقلانی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسبی را برای دوره جدید ارائه نمود.

مسئله تنوع قومی - مذهبی در اغلب موارد برای دینارهای ملی دردسرساز بوده و در عالی‌ترین سطح خود، توانسته است به ایجاد شکاف در یک جامعه منبسط شده و در صورت فقدان سیاستگذاری و مدیریت موفق، امنیت و ثبات آن کشور را به چالش بکشد. عراق از جمله کشورهایی است که با این مسئله دست به گریبان بوده است و هنوز هم از این موضوع رنج می‌برد. در این کشور همچون گذشته، احساس تعلق به قومیت و مذهب، قوی‌تر از احساس تعلق به ملت و واحد چند ملی است. اختلافات اساسی گروه‌های جامعه عراق به مبانی کلان و نگرش‌های بنیادین آنها درخصوص دولت‌سازی^۱ در این کشور مربوط می‌شود و این امر مصالحه و توافق بین آنها برای ایجاد یک نظام سیاسی مشروع را با دشواری مواجه می‌سازد.

وجود شکاف‌های قومی و مذهبی متعدد در عراق باعث شکل‌گیری و برجستگی هویت قومی - مذهبی شده و این نوع هویت به واسطه عوامل تاریخی و سیاسی مختلف تقویت شده است. اعراب شیعه، اعراب سنی و کردها سه گروه اصلی قومی - مذهبی با گرایش‌های متفاوت در عراق هستند. این کشور از

ابتدای تأسیس زیر سیطره و حاکمیت اقلیت عرب سنی بوده است و گروه‌های شیعی و کرد دارای نقشی نمایشی در قدرت سیاسی بوده‌اند. حاکمیت یک اقلیت به‌همراه وجود شکاف‌های قومی- مذهبی در عراق، باعث استفاده حداکثری دولت مرکزی از ابزار زور و قدرت به‌منظور حفظ حاکمیت اقلیت و همچنین حفظ انسجام اجتماعی-سیاسی در دهه‌های پیشین شده بود. این امر به‌نوبه خود، باعث افزایش دامنه شکاف‌های گروهی می‌شد و واکنش‌های معطوف به کسب قدرت را از سوی گروه‌های شیعی و کرد دربرداشت. در دوره جدید، عرصه برای سایر گروه‌ها به‌منظور کسب قدرت باز شد از این‌رو، سیاست در عراق به‌عنوان تلاش گروه‌های قومی- مذهبی برای کسب قدرت بیشتر تعریف می‌شود و سنت‌هایی چون اجماع و همکاری گروه‌ها و تشریک مساعی آنها برای پیشبرد اهداف و منافع ملی فاقد زنده‌ها^۱ تاریخی است.

با نگاهی اجمالی به سیاستگذاری امنیت ملی در سایه حکومت حزب بعث در عراق، مشخص می‌شود که خشونت جزء جدایی‌ناپذیر نظام اداری- سیاسی دولت بوده است. جامعه سیاسی عراق در مقابل دولت به‌شدت ضعیف شده بود. اساس الگوی سیاستگذاری امنیت ملی بر ویژگی انهدام نیروهای اجتماعی قرار داشت. از این‌رو، راه‌حلی اصلی این مشکل، انهدام نیروهای اجتماعی یعنی؛ انهدام بنیان‌های شکل‌گیری و قوام ملت و «ملیه»^۲ بوده است. حزب بعث برای تأمین امنیت حکومت خویش که آن را با امنیت ملی درآمیخته بود و دولت حکومت خود را با این مفهوم تعقیب می‌نمود، با نظام سفت و سخت پلیسی، الگوی اقتدارگرایی^۳ را به‌شدت پیگیری می‌کرد. سیاست‌های صدام در سرکوب و حذف نیروهای اجتماعی، هرچند به‌طور موقت آساز بود، اما هیچ‌گاه نتوانست شکاف‌های موجود در جامعه را کاهش دهد و تخم کینه را در دل گروه‌های سیاسی- اجتماعی عراقی کاشت.

به‌طور کلی، ساختار ایدئولوژیک رژیم بعثی در واکنش به تهدید ناشی از تنوع قومی- مذهبی، از الگوی «هماندسازی و ادغام» در سیاستگذاری امنیت ملی بهره‌مند شد و بر این مبنا موجب شد تا خرده‌فرهنگ‌ها و زیرمجموعه‌های فرهنگی، نقشی حاشیه‌ای در تحولات داشته باشند. تبعید، سرکوب، بمباران، اخراج و قتل‌های دسته‌جمعی، شهادی بر این است که دولت بعث عراق، هراره سعی داشته است تا «بحران خاموش قومیت‌ها» تشدید و شعله‌ور نشود. اتخاذ چنین سیاست‌هایی باعث شد تا اقوام و گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی احساس تعلق خاطر به «دولت ملت»^۴ خود نداشته باشند و در قالب کلی‌تری تحت عنوان وحدت ملی مستحیل و ادغام نشوند. بنابراین، همواره در کنار نیروها و روندهای جذب و ادغامی که رژیم بعثی تولید و بازتولید می‌کرده است، گرایش‌های گریز از مرکز و گروه‌های معارض که در صدد براندازی نظام بعثی بوده‌اند نیز وجود داشته‌اند. به‌طور کلی، درخصوص مشکلات ساختاری جامعه عراق و تأثیرات آن بر عدم موفقیت این سیاستگذاری‌ها در عراق می‌توان

گفت که «سپهر سیاست» در عراق از زمان ایجاد این کشور بعد از جنگ جهانی اول تا سقوط صدام، دارای چهار مشکل ساختاری به هم پیوسته بوده است:

نخست؛ به‌کارگیری سطح بالایی از «خشونت سازمانی» به‌وسیله دولت برای تسلط بر جامعه و شکل‌دادن به آن؛

دوم، استفاده از منابع دولتی مانند، مشاغل و کمک‌های مالی و اقتصادی به‌منظور جلب وفاداری بخش‌های مختلف جامعه؛

سوم، استفاده از درآمدهای نفتی برای افزایش استقلال عمل دولت (دولت رانتیر) و خودمختاری در برابر جامعه؛

چهارم شد، شکاف‌های مختلف قومی، مذهبی و اجتماعی و بازآفرینی مصنوعی و دستکاری‌شده آن توسط دولت به‌عنوان «راهبرد حکومت‌مداری».

با اشغال عراق توسط نیروهای خارجی در سال ۲۰۰۳ میلادی، حاکمیت و اقتدار چهل‌ساله حزب بعث به رهبری صدام حسین فروپاشید و فصل تازه‌ای از تاریخ سیاسی این کشور آغاز شد. با این وجود، در حال حاضر نیز افراد و گروه‌های سیاسی-مذهبی بیش از آنکه دوره جدید را فرصتی برای ایجاد انسجام ملی تلقی کنند، آن را فرصتی برای کسب قدرت قلمداد می‌کنند (Nasr, 2006). از این‌رو، گروه‌ها در پی افزایش قدرت و نفوذ در ساختار سیاسی جدید بوده و تعقیب منافع و اولویت‌های کلان نظیر ایجاد ثبات و همکاری میان گروه‌ها در نتیجه وحدت ملی، در اولویت‌های بعدی آنها قرار دارد. این نگاه منفعت‌جویانه صرف مبتنی بر بنیادهای قومی-مذهبی، به خشونت‌های موجود دامن زده و تأمین امنیت ملی را در عراق با مشکل مواجه ساخت. این به‌منظور معرفی یافت و فضای سیاسی عراق، لازم است نیروهای تشکیل‌دهنده و تأثیرگذار بر فضای مذهب جامعه عراق را به‌طور اختصار معرفی کرده و موضع‌گیری‌های کلی آنها را نشان دهیم.

• شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در دو دهه اخیر رای کسب قدرت و جایگاه مناسب در ساختار سیاسی نوین، بیش از هر چیز دیگر، بر توسل به شیوه‌های دموکراتیک به‌منظور پیشبرد روند سیاسی عراق تأکید کرده‌اند. عامل اصلی گرایش و تأکید رهبران شیعی بر قواعد و راهکارهای دموکراتیک بیش از آنکه ناشی از اعتقاد و باور آنها به دموکراسی و هنجارهای دموکراتیک باشد، ناشی از ساختار جمعیتی عراق و سهم شیعیان در این ساختار و در نتیجه بهره‌برداری راهبردی از آن به‌منظور دستیابی به حقوق و منافع تاریخی خود است (واعظی، ۱۳۸۷؛ ۲۴۳).

• کردها که در زمان صدام در ساختار سیاسی عراق مشارکت چندانی نداشتند، اکنون در قالب دو حزب اصلی کردی؛ یعنی اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی، دومین فراکسیون بزرگ مجلس عراق بعد از ائتلاف شیعیان هستند. گروه‌های کرد در دولت

مرکزی عراق و اداره امور این کشور نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند و اکنون در سیاست عراق به نیرویی عمده تبدیل شده‌اند؛ به گونه‌ای که بدون در نظر گرفتن ملاحظات و منافع آنها، پیشبرد روند سیاسی در عراق بسیار دشوار و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد. کردها در دوره پس از صدام با انسجام، هماهنگی و کارایی بالا در عرصه سیاست عراق عمل کرده‌اند و می‌توان گفت بیشترین منفعت از روند سیاسی عراق را نصیب خود کرده‌اند. گروه‌های کرد در این مدت دو هدف اصلی را دنبال کرده‌اند؛ به حداکثر رساندن قدرت و نقش خود در دولت مرکزی عراق در بغداد و کسب حداکثر خودمختاری و آزادی عمل در شمال عراق.

• عرب‌ها: سنی عراق و به‌ویژه بعثی‌ها، در دوره ۱۹۶۸-۲۰۰۳، بخش اعظم قدرت سیاسی را در اختیار داشتند. با فروپاشی رژیم بعث، در برابر ساختار و روند سیاسی جدید این کشور مقاومت کردند. اما به تدریج بخش از عرب‌های سنی در روند سیاسی مشارکت کردند و بخشی دیگر از جمله بعثی‌ها به مخالفت و اقدامات شونت‌میز در برابر دولت جدید عراق ادامه دادند. مشارکت تدریجی و فزاینده سنی‌ها در روند سیاسی جدید عراق با حمایت حزب اسلامی از قانون اساسی جدید و سپس مشارکت بخش وسیع‌تری از گروه‌ها در انتخابات پارلمانی آغاز شد و به تدریج حمایت سنی‌ها از گروه‌های ستیزه‌جوی مخالف کاهش یافت.

بنابراین کشمکش‌های ناشی از انهدام سازوکارهای سجمام و ابزارهای اجتماعی درون کشور عراق پس از فروپاشی قدرت سیاسی، پدیده‌ای بسیار حائز اهمیت است. این کشمکش‌ها به صورت درگیری‌های قومی- مذهبی بین جریان‌های عمده عراقی (کرد، سنی و شیعی) که به عنوان مؤلفه‌های بنیادین ساختار جامعه شناختی آن کشور به حساب می‌آیند تجلی یافته است. این درگیری‌ها (اغلب خشن و خونبار) به صورت وجوه متعددی همچون: اعلام خودمختاری و استقلال قومی و مذهبی و اقدام برخی گروه‌ها نسبت به حذف هویت‌های دیگر به منظور بروز هویت خاص، ظاهر می‌شود که خود نشان‌دهنده بحران‌های برآمده از مؤلفه‌های اساسی ساختار اجتماعی عراق است.

پدیده‌ای که پس از سقوط رژیم بعث در عراق ظهور کرد، این مسئله را نمایان ساخت که اصول و مبانی سیاستگذاری امنیتی در بعد داخلی، نه تنها به امنیت‌سازی منجر نگردید، بلکه باعث شد که تنوع قومی- مذهبی به عنوان یک شکاف ساختاری در جامعه عراق خودنمایی کند. در نظام جدید، گروه‌های قومی- مذهبی مختلف، به‌ویژه شیعیان و کردها در ساختار سیاسی نوین مشارکت کردند و این امر که از زمان تأسیس کشور عراق بی‌سابقه بوده است، باعث تحولاتی جدی در عرصه سیاسی و فرهنگی- اجتماعی و گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های گروه‌های اجتماعی شد. مشارکت گروه‌های اجتماعی مختلف در ساختار سیاسی جدید و پایان حاکمیت تک‌صدایی، به طرح ایده‌ها و دیدگاه‌های متنوع و حتی متضاد از سوی آنها منجر شد.

در نتیجه، اهداف و منافع متفاوت و حتی متناقض گروه‌های شیعی، سنی و کرد در ساختار سیاسی این کشور، تحقق وحدت و یکپارچگی ملی را با مشکل مواجه ساخت. لازم به ذکر است که اختلافات تنها به شکاف‌های قومی- مذهبی محدود نمی‌شود، در داخل هر یک از بلوک‌های سیاسی نیز اختلاف‌نظرها و گرایش‌های عمده‌ای وجود دارد. برای نمونه، در میان گروه‌های شیعی درخصوص موضوعاتی چون فدرالیسم، نوع رابطه با کشورهای خارجی، کارکرد دین در سیاست و... تفاوت‌هایی تعیین‌کننده وجود دارد.

به‌طور کلی، حوزه‌های اختلاف در عراق جدید متنوع بوده و آنها را بدین صورت می‌توان خلاصه کرد:

۱. طایفه‌ای، قریبی و فرقه‌ای شدن ساخت قدرت در عراق: الگوی حکومت طایفه‌ای، الگویی است که چنانچه توافق و اجماعی بر روی دولت‌سازی و هویت‌سازی صورت نگیرد، به‌دلیل همان سرشت ذاتی حکومت طایفه‌ای، زمینه‌های ناپایداری تا سرحد فروپاشی و تجزیه امکان بروز می‌یابد.
۲. تقسیم اقلیت سنی عراق به و بخش طرفدار مقاومت و طرفدار مذاکره.
۳. تقسیم مناصب و سهمیه‌ها (نقسه) مناصب میان شیعیان، کردها و سنی‌ها).
۴. منبع قانون‌گذاری: کردها با ایدئولوژی لائیک و شیعیان به‌دنبال تعیین اسلام به‌عنوان تنها منبع (یا دست‌کم اصلی‌ترین منبع) قانونگذار در قانون اساسی عراق بودند. در این عرصه، اختلاف‌نظر اصلی در صحنه عراق از یک‌سو میان اسلام‌گرایان (اعم از شیعه و سنی)، و از سوی دیگر میان کردها و سکولارها بوده است. در این زمینه، اختلاف نظر اساسی میان اسلام‌گرایان (اعم از شیعه و سنی) با کردها و سکولارها است.
۵. نظام فدراتیو: کردها حداکثر خودمختاری را در قالب نظامی طلب می‌کنند، شیعیان با برخورداری از اکثریت به‌دنبال هرچه محدودتر کردن چنین اختیارات محلی هستند. درمجموع بافت طایفه‌ای حکومت و تمایلات فدرالی به‌طور طبیعی زمینه‌های واگرایی نسبه جامعه عراق را در درون خود می‌پرورد.

مسئله قومیت- مذهب‌محوری و حرکت به‌سوی خودمختاری بیشتر، بیش از هر چیز در مورد کردها صادق است. در واقع، هم‌زمان با سقوط حکومت بعثی و صدام حسین، کردها فشارهای خود را برای کسب خودمختاری بیشتر در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آغاز کرده و به تقویت موقعیت محلی خود از راه برقراری و گسترش ارتباطات با سایر کشورهای منطقه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی پرداخته‌اند و به‌دنبال کسب استقلال و خودمختاری هستند.

با توجه به اینکه جامعه شیعی عراق جامعه‌ای واحد و یکپارچه نیست و در آن دسته‌بندی‌های مختلفی از جمله، شیعیان سکولار، میانه‌رو، افراطی، مستقل، شهری، قبیله‌ای و ... وجود دارند، پذیرش

نقش مسلط و ایدئولوژیک این هویت به معنای پذیرش انتقال این اختلافات و چندگانگی به حوزه سیاست بوده است.^۱

به طور کلی می توان گفت که دولت عراق در طول دهه گذشته، اصولاً دولتی ضعیف بوده است و از ایفای کارکردهای خود در زمینه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی ناتوان بوده است. فروپاشی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ باعث آغاز روند جدید دموکراتیک در این کشور و تلاش برای ایجاد دولتی کارآمد و قوی شد، اما این امر به واسطه عوامل و متغیرهای متعدد داخلی، منطقه ای و بین المللی هنوز تحقق نیافته است. در حوزه سیاسی، دوران جدید به ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مورد پذیرش تمام گروه های اجتماعی و سیاسی منجر نشده است. در حوزه امنیتی تلاش های دولت جدید و نیروهای ائتلاف برای کنترل شورش ها، فعالیت گروه های شبه نظامی و تأمین امنیت شهروندان عراقی چندان موفق نبوده اند. در حوزه اقتصادی نیز در نتیجه تقویت زیرساخت های اقتصادی عراق، کاهش نرخ بیکاری و تأمین خدمات اساسی برای مردم عراق، به موفقیت چندانی دست یافته نشده است. از این رو، ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مصالحه بین گروه های سیاسی، اجتماعی عراق، ایجاد امنیت و تأمین نیازهای اقتصادی اساسی مردم سه چالش اصلی فروری دولت آینده عراق خواهد بود. بنابراین سیاستگذاری امنیت ملی پس از ۲۰۰۳ که مبتنی بر الگوی «کثرت گرایی» بوده است، واجد برخی ویژگی ها و عناصر است که هر کدام از این عناصر برای موفقیت زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خاص خود را می طلبد.

در این راستا بررسی الگوهای سیاستگذاری امنیت ملی در کشوری متکثر از حیث جامعه شناسی همچون عراق، مقوله ای با اهمیت است که ما را در جهت آسیب شناسی اصول، اهداف و خط مشی های این سیاستگذاری ها در سطح داخلی (با تأکید بر متغیر تکثر قومی-مذهبی) چه در دوران حکومت حزب بعث و چه پس از سال ۲۰۰۳ سوق می دهد تا به چالش ها و کبودهای موجود در این سیاستگذاری ها، توجه و به ارائه الگویی متناسب با خصیصه های تکثر قومی-مذهبی عراق بپردازیم.

از این رهگذر، کتاب پیش رو با فرض اینکه در دوره حکومت حزب بعث سیاستگذاری امنیت ملی عراق در برخورد با مسئله تنوع قومی-مذهبی بر مبنای «الگوی همانندسازی» به دلیل عدم کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه های قومی-مذهبی، جامعه ای متجانس و همگن شکل گرفت و به تبع آن سیاستگذاری امنیت ملی دوره بعث در تحقق وحدت ملی با شکست مواجه شد. در دوره جدید که سیاستگذاری امنیت ملی بر اساس «الگوی کثرت گرایانه» تنظیم شده است، به افزایش مطالبات گروه ها منجر شده و همین عامل، باعث افزایش واگرایی، ناکارآمدی مدیریتی و عدم تحقق وحدت ملی شده است. به دنبال پاسخ به این پرسش است که: «سیاستگذاری امنیت ملی در عراق طی

دوران حزب بعث (۲۰۰۳-۱۹۶۸) و دوران کنونی (۲۰۱۱-۲۰۰۳) در برخورد با مسئله تنوع قومی-مذهبی از چه الگوهای پیروی می‌کرد، آیا استفاده از آن الگوها به انسجام و وحدت ملی در عراق کمک کرد یا نه، و اینکه چه الگوی جایگزینی می‌تواند وحدت عراق را در عین کثرت حفظ کند؟».

سازماندهی کتاب.

کتاب حاضر از یک مقدمه که شامل کلیات طرح تحقیق و از پنج بخش تشکیل یافته است. بخش اول که با عنوان سیاستگذاری امنیت ملی که در واقع چارچوب نظری تحقیق است، خود از چهار فصل جداگانه به ترتیب دولت‌ها و حوزه‌های امنیتی، رویکردهای تأمین یکپارچگی ملی، قومیت و متغیر امنیتی و نظایر آنها، مربوط به بحران محرومیت تشکیل شده است.

بخش دوم کتاب با عنوان سیاستگذاری تنوع قومی-مذهبی متشکل از فصول مدل همانندسازی، مدل تکثرگرایی و مدل پیشنهادی وحدت در کثرت است.

عنوان بخش سوم به سنگریزی امنیت ملی دوره بعث و حکومت صدام است. این بخش مشتمل بر سه فصل است. مبنا و اصول ایدئولوژی حزب بعث، سیاست‌های ایجابی یا تضمینی همانندسازی و سیاست‌های سلبی یا تحمیلی و آسیب‌شناسی سیاست‌های همانندسازی، فصول سه‌گانه این بخش محسوب می‌شوند.

بخش چهارم با عنوان سیاستگذاری امنیت ملی عراق در دوره جدید همانگونه که از عنوان آن پیداست طی سه فصل جداگانه دوره جدید را مورد بررسی قرار داده است. سیاستگذاری امنیت ملی با تأکید بر سند استراتژی امنیت ملی عراق، آسیب‌شناسی سیاستگذاری امنیت ملی عراق با تأکید بر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و آسیب‌شناسی تحقق وحدت ملی در دوره جدید فصول سه‌گانه بخش سوم محسوب می‌شوند. در بخش پایانی کتاب نتیجه‌گیری ارائه شده و سپس مدل پیشنهادی به منظور دستیابی به یکپارچگی و وحدت ملی ارائه شده است.

بخش پنجم و در واقع بخش پایانی کتاب با عنوان نتیجه‌گیری و ارائه مدل وحدت در کثرت، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی از مباحث کتاب اختصاص یافته و سرانجام مدل پیشنهادی کتاب با عنوان مدل وحدت در کثرت به منظور دستیابی به یکپارچگی و وحدت ملی در عراق ارائه شده است.